



فصلنامه حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۴ - تابستان ۱۴۰۴

- رابطه خریدار و فروشنده در قرارداد پایه در اعتبار اسنادی با تاکید بر حقوق ایران
همایون مافی، رضا احسانی، احمدرضا امیری لاریجانی
بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه
سیدفضل الله موسوی، امیرحسین عسگری
عدالت کودک محور و مسئولیت دولت: پیشگیری، اصلاح و بازپروری کودکان ناقض قوانین کیفری
محمد روشن، سمیه رنگین کمان، سیدمصطفی حسینی دستجردی
واکاوی چالش‌ها و الزامات حقوقی هوش مصنوعی در محیط‌های کاری: بررسی تأثیرات و راهکارهای اصلاحی
مریم برومند بازکیاگورابی، امیررضا محمودی
جامعه الگوریتمی و انطباق حقوقی: بازاندیشی در حقوق، حکمرانی و عدالت اجتماعی
خدیجه کریمی اصفهانی، مجاهد امیری
صدور اسناد هویتی در مورد اطفال متولد شده از روابط نامشروع و آثار آن در حقوق ایران
مرضیه کاظمی، مصطفی کافی
مسئولیت نقصان یافته در نظام کیفری ایران و انگلستان
ایرج مروتی، نفیسه عراقی، ماندانا جنگلی
نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی
نرگس ابوالمعصومی
درآمدی بر جرایم مرتبط با رمزارزها؛ از تسهیلگری تا پیشگیری
محبوبه طالبی رستمی
اهمیت تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران
نازنین بهرامی، مهناز سجادیان، حمیدرضا کناری زاده
تأثیر مداخلات امنیت گرایانه و عوام گرایانه سیاست جنایی بر شکل دهی گفتمان جرم شناختی نئوکلاسیک نوین
مسعود اکبری
مطالعه تطبیقی دارایی تجاری در حقوق ایران و فرانسه
سعید جوهر
بازدارندگی تبعید و نفی بلد در عصر ارتباطات
مهسا محمودی
جلوه های حقوق معنوی زندانیان در اسناد داخلی و بین المللی
امین رضا بهار فلاصری
مطالعه تطبیقی کاربرد اصول دادرسی مدنی در دادرسی کیفری با تأکید بر سازوکار ارجاع
علی اصغر عسگری
جرایم علیه اراضی دولتی (مطالعه مروری)
وحید کیومرثی
زیاله‌های قضایی در حقوق بین‌الملل: چالش‌های نظارتی و راهکارهای حقوقی
مهدی قره داغی
توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و فقه اهل تسنن
داود سلمانپور، یعقوب طاهری، حسین زارعی
مسئولیت بین‌المللی کشورها در مبارزه با دوپینگ: تحلیل حقوقی و چالش‌های اجرایی
سپیده احمدیان فرد
سیاست کیفری در قبال جرائم نظامی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا
امیرحسین ابوالحسنی، حامد زرین جوی الوار، محمدعلی جهانی
قواعد حاکم بر بازار مالی غیرمتمثل پولی در نظام حقوقی ایران
ایوب رحیمی
حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق کالا (مطالعه موردی بندر دلووار)
حسین اکبرپا
شرایط سلبی مسئولیت کیفری شخصی بر مبنای اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
محمدرضا افراسیابی
تأثیر قوانین داخلی و التزام به معاهدات بین‌المللی در مبارزه با فساد بانکی
سیدبهمن اکبری
سازوکارهای گوناگون اعمال و اجرای حقوق بین‌الملل
مهدی رضایی اسرمی
بزه‌دیده شناسی سبز و بزه‌دیدگان غیرانسانی
امین حاجی وند، امیرحسین خراشادی زاده، محمدجواد میرزایی



Maintaining Social Capital in the Process of Combating Smuggling (Delaware Port Case Study)

حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق کالا (مطالعه موردی بندر دلوار)

Hossein Akbarpa

Master of Science in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran

حسین اکبرپا

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

hosseinakbarpa.law@gmail.com

Abstract

Smuggling of goods is one of the most important economic and social challenges in the border regions of Iran, the consequences of which also affect the social capital of local communities. Due to its geographical and border location, Delvar Port in Bushehr Province has always faced the phenomenon of smuggling of goods, and in the meantime, maintaining social capital as a support for sustainable development has gained additional importance. This research addresses the question of how to maintain the social capital of the local community in the process of combating smuggling of goods in Delvar Port? The aim of the research is to identify solutions to combat smuggling of goods without harming trust, participation, and social cohesion among the people of the region. The research method is qualitative and case study type, and data was collected through semi-structured interviews with local activists, executive officials, and elites of Delvar Port. The research findings show that involving people in policymaking, strengthening the role of local organizations, and providing legitimate economic alternatives play an effective role in maintaining social capital in the process of combating smuggling. The results of the research indicate that a purely security-based approach to the phenomenon of trafficking leads to the weakening of social capital, while a participatory and cultural approach, while reducing the tendency towards trafficking, also strengthens social capital.

Keywords: Smuggling, Social Capital, Delaware Port, Participatory Policymaking.

چکیده

قاچاق کالا یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی و اجتماعی در مناطق مرزی ایران است که پیامدهای آن، سرمایه اجتماعی جوامع محلی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بندر دلوار در استان بوشهر، به دلیل موقعیت جغرافیایی و مرزی بودن، همواره با پدیده قاچاق کالا مواجه بوده است و در این میان، حفظ سرمایه اجتماعی به عنوان پشتوانه‌ای برای توسعه پایدار، اهمیت مضاعفی یافته است. این پژوهش به این پرسش می‌پردازد که در فرایند مبارزه با قاچاق کالا در بندر دلوار، چگونه می‌توان سرمایه اجتماعی جامعه محلی را حفظ کرد؟ هدف پژوهش، شناسایی راهکارهایی برای مقابله با قاچاق کالا بدون آسیب به اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی میان مردم منطقه است. روش تحقیق کیفی و از نوع مطالعات موردی بوده و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کنشگران محلی، مسئولان اجرایی و نخبگان بندر دلوار گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مشارکت دادن مردم در سیاستگذاری‌ها، تقویت نقش سازمان‌های محلی و ارائه جایگزین‌های اقتصادی مشروع نقش مؤثری در حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که برخورد صرفاً امنیتی با پدیده قاچاق، منجر به تضعیف سرمایه اجتماعی می‌شود، درحالی که رویکرد مشارکتی و فرهنگی، ضمن کاهش گرایش به قاچاق، سرمایه اجتماعی را نیز تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی: قاچاق کالا، سرمایه اجتماعی، بندر دلوار، سیاستگذاری مشارکتی.

ارجاع:

اکبریا، حسین؛ (۱۴۰۴)، حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق کالا (مطالعه موردی بندر دلوآر)، تمدن حقوقی، شماره ۲۴.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

پدیده قاچاق کالا یکی از مسائل پیچیده و چندبعدی در جوامع مرزی ایران به شمار می‌رود که علاوه بر آثار اقتصادی گسترده، پیامدهای اجتماعی عمیقی نیز به همراه دارد. قاچاق نه تنها موجب برهم خوردن نظم بازار و آسیب به تولید داخلی می‌شود، بلکه در سطح اجتماعی نیز اعتماد بین مردم و نهادهای دولتی را تضعیف کرده و انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند (جواهری، ۱۴۰۱، ۸). در بسیاری از مناطق جنوبی کشور، به‌ویژه در بندر دلوآر از توابع استان بوشهر، قاچاق به دلایلی چون نبود فرصت‌های شغلی کافی، ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و وابستگی تاریخی معیشت مردم به تجارت دریایی، به‌صورت پدیده‌ای رایج درآمده است.

در چنین شرایطی، هرگونه سیاست مقابله با قاچاق اگر بدون توجه به بافت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منطقه تدوین و اجرا شود، نه تنها در دستیابی به اهداف مورد نظر ناکام خواهد ماند، بلکه ممکن است به تضعیف سرمایه اجتماعی منجر گردد. سرمایه اجتماعی که در قالب اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی تبلور می‌یابد، سرمایه‌ای نامرئی اما حیاتی برای توسعه پایدار محسوب می‌شود. از این‌رو، درک صحیح از تأثیرات سیاست‌های ضدقاچاق بر سرمایه اجتماعی و تلاش برای هم‌راستا کردن اقدامات مقابله‌ای با حفظ و تقویت این سرمایه، از اهمیت بالایی برخوردار است. در سال‌های اخیر، بسیاری از برنامه‌های مبارزه با قاچاق، با تمرکز صرف بر ابعاد امنیتی و اقتصادی، از تحلیل وضعیت اجتماعی

و فرهنگی مناطق غافل مانده‌اند. در نتیجه، این برنامه‌ها یا با مقاومت جوامع محلی مواجه شده‌اند یا نتوانسته‌اند به کاهش معنادار قاچاق بینجامند (میلانی و مژده‌پور، ۱۴۰۱، ۱۹۲).

در بندر دلووار که پیوندهای اجتماعی قوی، پیشینه تاریخی مبارزه و فرهنگ همکاری مردمی بارز است، سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در هدایت مردم به سوی مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای و دوری از فعالیت‌های غیرقانونی ایفاء کند. در این پژوهش، به این مسئله پرداخته می‌شود که در فرایند مبارزه با قاچاق کالا در بندر دلووار، چگونه می‌توان از سرمایه اجتماعی محافظت کرد و آن را تقویت نمود؟ هدف این پژوهش آن است که ضمن بررسی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی قاچاق در منطقه، راهکارهایی برای مقابله با آن ارائه دهد که هم‌راستا با حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی باشد. پژوهش حاضر به‌روش کیفی و به‌صورت مطالعه موردی انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با افراد محلی، فعالان اجتماعی، نخبگان منطقه و مسئولان اجرایی مرتبط گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون صورت گرفته تا الگوها و مضامین کلیدی مرتبط با مسئله تحقیق شناسایی و تبیین شوند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بسیاری از سیاست‌های مقابله‌ای گذشته، به‌دلیل نادیده گرفتن ویژگی‌های بومی و مشارکت‌ندادن مردم محلی، نه تنها ناکارآمد بوده‌اند، بلکه در برخی موارد به کاهش اعتماد عمومی و افزایش شکاف بین مردم و دولت انجامیده‌اند. همچنین، مصاحبه‌ها حاکی از آن است که رویکردهای مبتنی بر گفت‌وگوی اجتماعی، تقویت نهادهای محلی، آموزش عمومی و ارائه جایگزین‌های اقتصادی پایدار نقش مؤثری در کاهش قاچاق و حفظ سرمایه اجتماعی ایفاء می‌کنند. مردم منطقه آمادگی دارند در صورتی که با آنان برخوردی مشارکتی و آگاهانه صورت گیرد، در فرایندهای مبارزه با قاچاق نقش مثبت ایفاء کنند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که نگاه صرفاً امنیتی به قاچاق، در بلندمدت منجر به تضعیف انسجام اجتماعی، گسترش نارضایتی و شکل‌گیری مقاومت‌های پنهان در برابر سیاست‌های رسمی می‌شود. در مقابل، اتخاذ رویکردی اجتماعی‌محور که به نیازها، نگرانی‌ها و پتانسیل‌های مردم توجه کند، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش تدریجی قاچاق و تقویت بنیان‌های سرمایه اجتماعی گردد. جنبه نوآورانه این پژوهش، تمرکز آن بر رابطه دوسویه میان سیاست‌های مقابله با قاچاق و سرمایه اجتماعی در یک منطقه خاص و

کمتر پژوهش شده مانند بندر دلوار است.

برخلاف رویکردهای رایج که به ابعاد اقتصادی و امنیتی قاچاق می‌پردازند، این پژوهش با نگاهی اجتماعی و فرهنگی، بر اهمیت مشارکت مردمی، اعتمادسازی و توسعه نهادهای بومی در موفقیت اقدامات مقابله‌ای تأکید می‌ورزد. این رویکرد می‌تواند الگویی برای سایر مناطق مرزی کشور نیز ارائه دهد و افق جدیدی در سیاستگذاری‌های مرتبط با قاچاق کالا بگشاید.

۱- مفاهیم

در این مبحث، به بررسی مفاهیمی پرداخته می‌شود که در ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش قرار دارند. نخست مفهوم «سرمایه اجتماعی» به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه اجتماعی و تعاملات میان فردی تحلیل می‌گردد. سپس به تبیین «قاچاق کالا» پرداخته می‌شود که یکی از چالش‌های مهم اقتصادی و اجتماعی در کشور به‌شمار می‌رود. در نهایت، به «انواع کالا» و شیوه‌های دسته‌بندی آن در قوانین جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در ارتباط با موضوع قاچاق، اشاره خواهد شد تا زمینه‌ای برای درک بهتر ابعاد حقوقی و اجرایی مسئله فراهم شود.

۱-۱- مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهومی چندبعدی و میان‌رشته‌ای است که در دهه‌های اخیر به‌طور گسترده در علوم اجتماعی، علوم سیاسی، اقتصاد و توسعه مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم به مجموعه‌ای از منابع و ظرفیت‌های نهفته در روابط میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی اشاره دارد که از طریق اعتماد، هنجارهای مشترک، شبکه‌های ارتباطی و مشارکت اجتماعی به‌وجود می‌آیند و به عنوان نوعی «سرمایه نامرئی» در ارتقای کارایی کشش‌های جمعی، تسهیل همکاری‌های اجتماعی و تقویت انسجام اجتماعی نقش ایفاء می‌کنند (رئیس دانا، ۱۳۹۳، ۴۴).

سرمایه اجتماعی برخلاف سرمایه اقتصادی یا فیزیکی، در بستر روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و در ارتباطات میان فردی و نهادهای مدنی و غیررسمی بروز پیدا می‌کند. این سرمایه شامل سه بعد اصلی است: بعد ساختاری که به شبکه‌ها و روابط سازمان‌یافته بین افراد و گروه‌ها اشاره دارد؛ بعد رابطه‌ای که بیانگر میزان اعتماد، احترام متقابل و تعهد در روابط اجتماعی است؛ بعد شناختی که به اشتراک در زبان، نمادها،

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌پردازد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴، ۱۰). وجود سرمایه اجتماعی بالا در یک جامعه، زمینه‌ساز همکاری مؤثر میان شهروندان، کاهش هزینه‌های تعاملات اجتماعی، افزایش مشارکت سیاسی و اقتصادی و ارتقای کیفیت حکمرانی است.

از دیدگاه نظریه‌پردازانی چون پاتنام، کلمن و بورديو سرمایه اجتماعی هم در سطح خرد^۱ و هم در سطح کلان^۲ عمل می‌کند. پاتنام بر نقش نهادهای مدنی در تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه دموکراتیک تأکید می‌کند، در حالی که کلمن آن را ابزار تسهیل‌کننده در انتقال دانش و هنجارها می‌داند و بورديو سرمایه اجتماعی را به مثابه دسترسی به منابع از طریق شبکه‌های اجتماعی تعریف می‌کند که در بازتولید نابرابری نیز نقش دارد (دل‌اوز و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۸۶۹).

در جوامعی مانند بندر دلووار، سرمایه اجتماعی با ویژگی‌هایی چون انسجام قومی، اعتماد متقابل، همبستگی تاریخی و مشارکت‌های سنتی شکل می‌گیرد. این سرمایه، اگرچه می‌تواند به تقویت توسعه محلی کمک کند، اما در شرایط خاص مانند فقر اقتصادی، ضعف نهادهای رسمی یا نبود فرصت‌های شغلی ممکن است به سمت شکل‌گیری شبکه‌های غیررسمی و حتی غیرقانونی مانند قاچاق نیز سوق داده شود. از این‌رو، شناخت دقیق سرمایه اجتماعی و مدیریت صحیح آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی ایفاء می‌کند، به‌ویژه در فرایندهایی چون مبارزه با قاچاق که نیازمند همکاری و همراهی مردم محلی است.

۱-۲- مفهوم قاچاق کالا

قاچاق کالا مفهومی حقوقی، اقتصادی و اجتماعی است که به انتقال، ورود یا خروج کالا از مرزهای یک کشور بدون رعایت مقررات قانونی اطلاق می‌شود. این پدیده معمولاً با هدف فرار از پرداخت حقوق گمرکی، عوارض، مالیات یا واردات و صادرات کالاهایی صورت می‌گیرد که بنا بر قوانین کشور، مجاز به تبادل آزاد نیستند. در ایران، بر اساس ماده اول قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ قاچاق شامل هرگونه اقدام برخلاف مقررات گمرکی، مقررات صادرات و واردات یا ضوابط توزیع، نگهداری، حمل و عرضه کالاهایی است که مشمول ضوابط قانونی خاص هستند. قاچاق کالا صرفاً یک رفتار

۱- روابط فردی

۲- ساختارهای نهادی و اجتماعی

مجرمانه ساده تلقی نمی‌شود، بلکه پدیده‌ای پیچیده با ریشه‌های ساختاری، اقتصادی و اجتماعی است (اعظمی چهاربرج، ۱۳۹۶، ۲۲).

از یک سو، وجود تقاضای بالای داخلی برای کالاهای خاص، تفاوت قیمت بین داخل و خارج و موانع قانونی یا تعرفه‌ای می‌تواند انگیزه‌های اقتصادی برای ارتکاب قاچاق فراهم آورد. از سوی دیگر، ضعف نظارت مرزی، ناکارآمدی ساختارهای اجرایی، کمبود فرصت‌های شغلی و نابرابری‌های منطقه‌ای بسترهای اجتماعی این پدیده را تقویت می‌کنند.

قاچاق نه تنها به منابع مالی دولت آسیب می‌زند، بلکه پیامدهای گسترده‌تری نیز دارد. این پدیده موجب اختلال در نظام تولید و بازار رسمی، کاهش رقابت‌پذیری کالاهای داخلی، تضعیف اعتماد به نظام اقتصادی و گسترش اقتصاد زیرزمینی می‌شود (شاملو و داودی فرخ، ۱۳۹۹، ۲۵). در نتیجه، درک قاچاق کالا نیازمند نگاهی چندلایه و فراتر از ابعاد حقوقی است؛ نگاهی که زمینه‌های ساختاری و فرهنگی آن را نیز لحاظ کند و به جای تمرکز صرف بر مجازات، راهکارهای پیشگیرانه، مشارکت محور و توسعه‌گرا را برای کاهش آن در پیش گیرد.

۲- انواع کالا و دسته‌بندی آن در قوانین ایران

در نظام حقوقی و گمرکی جمهوری اسلامی ایران، کالاها بر اساس کارکرد، ماهیت، وضعیت ورود و خروج و جایگاه قانونی‌شان در فرایند تجارت و حمل‌ونقل، به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. این دسته‌بندی‌ها در قوانین مختلفی چون قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲، قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰، آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۱ و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ انعکاس یافته‌اند و نقش تعیین‌کننده‌ای در شناسایی مصادیق قاچاق، نحوه رسیدگی قضایی و تعیین مجازات دارند. به‌طور کلی، از منظر حقوقی و گمرکی، کالاها در ایران به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: کالاهای مجاز، مشروط و ممنوع (سلاجقه و همکاران ۱۳۹۸، ۷۷).

کالای مجاز به کالایی اطلاق می‌شود که واردات یا صادرات آن بدون نیاز به اخذ مجوز خاص و صرفاً با رعایت مقررات عمومی گمرکی امکان‌پذیر است. کالای مشروط کالایی است که ورود یا خروج آن منوط به کسب مجوز از مراجع ذیربط مانند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت جهاد

کشاورزی، سازمان انرژی اتمی، بانک مرکزی و... است. این کالاها ممکن است به دلایل امنیتی، بهداشتی، زیست محیطی یا اقتصادی تحت کنترل قرار گیرند. در نهایت، کالای ممنوع به آن دسته از کالاهایی گفته می شود که به موجب شرع مقدس اسلام یا قوانین کشور، واردات یا صادرات آن ها به کلی ممنوع است؛ مانند مشروبات الکلی، مواد مخدر، اقلام مستهجن و کالاهایی که به امنیت ملی یا ارزش های فرهنگی آسیب می زنند (پرهام فر و نجفی، ۱۳۹۸، ۹۹).

بر اساس قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، کالاها به دو دسته مهم دیگر نیز تقسیم می شوند: کالای مجاز قانونی و کالای موضوع قاچاق. کالای موضوع قاچاق می تواند شامل هر سه گروه فوق باشد، مشروط به این که ورود یا خروج یا حتی نگهداری و حمل آن خارج از ضوابط قانونی صورت گرفته باشد. قانون گذار همچنین کالاها را از حیث ارزش و نوع به کالای قاچاق عادی و کالای قاچاق سازمان یافته یا کلان تفکیک می کند که این تفکیک در تعیین نوع جرم، مرجع رسیدگی و میزان مجازات مؤثر است. در کنار این دسته بندی ها، در رویه های اجرایی و گمرکی، کالاها از منظر ماهیت مصرفی یا سرمایه ای، داخلی یا خارجی بودن و همچنین اموالی که موضوع عواید حاصل از جرم هستند نیز طبقه بندی می شوند (سلاجقه و همکاران، ۱۳۹۸، ۷۷). برای مثال، قانون گذار در تبصره های متعدد، بین کالایی که اساساً ورود آن ممنوع است و کالایی که ورود آن بدون مجوز یا از مسیرهای غیررسمی صورت گرفته، تفاوت قائل شده و این تفاوت در شدت مجازات نمود یافته است.

به نظر نگارنده دسته بندی کالاها در قوانین ایران نه تنها برای تنظیم تجارت و حمایت از تولید ملی اهمیت دارند، بلکه در فرایند مقابله با قاچاق، تعیین مسئولیت کیفری و اتخاذ سیاست های پیشگیرانه نیز نقش کلیدی ایفاء می کنند. فهم دقیق این طبقه بندی ها، زمینه ای اساسی برای تحلیل حقوقی و اجتماعی قاچاق کالا به ویژه در مناطق مرزی چون بندر دلووار را فراهم می آورد، جایی که خطوط میان تجارت محلی و رفتار مجرمانه ممکن است در غیاب آگاهی های حقوقی و اقتصادی، به سادگی مخدوش شود.

۳- وضعیت قاچاق کالا در ایران و بندر دلووار

قاچاق کالا در ایران یکی از معضلات ساختاری اقتصاد ملی محسوب می شود که پیامدهای چندلایه ای در سطوح اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی دارد. برآوردها و گزارش های رسمی از حجم بالای قاچاق

در کشور حکایت دارند، به گونه‌ای که سالانه میلیاردها دلار کالا به صورت غیرقانونی وارد یا از کشور خارج می‌شود. در این مبحث به فرایند قاچاق در ایران و نقش بندر دلواری^۳ می‌پردازیم.

۳-۱- فرایندهای قاچاق کالا در ایران

فرایند قاچاق کالا در ایران مجموعه‌ای از اقدامات سازمان‌یافته و بعضاً پیچیده است که از مبدأ تأمین کالا تا مصرف نهایی آن در بازار داخلی را دربرمی‌گیرد و در بسیاری از موارد به واسطه ضعف در زنجیره‌های نظارتی و ناهماهنگی میان دستگاه‌های ذیربط امکان‌پذیر می‌شود. این فرایند، بسته به نوع کالا، محل ورود، ماهیت شبکه قاچاق و سطح سازمان‌یافتگی آن ممکن است اشکال متفاوتی به خود بگیرد، اما در اغلب موارد از مراحل نسبتاً مشابهی پیروی می‌کند که در تعامل با عوامل اقتصادی، اجتماعی و نهادی تکوین می‌یابد (شاملو و داودی فرخند، ۱۳۹۹، ۱۴).

نخستین مرحله قاچاق کالا معمولاً با شناسایی تقاضای سودآور در بازار داخلی آغاز می‌شود. عوامل اصلی انگیزه‌دهنده در این مرحله شامل تفاوت چشمگیر قیمت کالا میان بازار داخلی و بازار مبدأ، محدودیت‌های وارداتی، تعرفه‌های بالا و یا ممنوعیت ورود برخی اقلام هستند. این عوامل موجب می‌شوند تا شبکه‌های قاچاق به دنبال واردات غیرقانونی کالاهایی برآیند که به رغم ممنوعیت یا محدودیت قانونی، از تقاضای بالایی برخوردارند. مرحله دوم، تأمین کالا از مبادی خارجی است که اغلب از کشورهای هم‌مرز با ایران همچون امارات متحده عربی، ترکیه، عراق، افغانستان، پاکستان و برخی کشورهای آسیای میانه صورت می‌گیرد (محمدی و صادقی، ۱۳۹۸، ۶۸). در این مرحله، کالا به صورت رسمی یا غیررسمی از مبدأ خارج می‌شود و به صورت مخفیانه، در قالب محموله‌های تجاری، بار همراه مسافر، یا بار لنج و قایق‌های سستی آماده ورود به خاک ایران می‌شود.

کالا از طریق مبادی ورودی غیررسمی^۴ وارد کشور می‌شود. در این بخش، بهره‌گیری از مسیرهای فرعی، بندر کوچک بدون تجهیزات گمرکی، نوارهای مرزی غیرکنترل‌شده و معابر محلی نقشی کلیدی ایفاء می‌کنند. در برخی موارد، عوامل نفوذ در دستگاه‌های اجرایی، فساد اداری یا ضعف در تبادل

۳- دلواری شهری بندری بر کرانه خلیج فارس در استان بوشهر است. دلواری مرکز بخش دلواری شهرستان تنگستان و بزرگ‌ترین بخش استان بوشهر است

۴- شامل مرزهای آبی، زمینی و بعضاً هوایی

اطلاعات بین دستگاه‌های نظارتی موجب تسهیل در عبور کالای قاچاق از ایست‌های بازرسی یا گمرک‌ها می‌شود. هم‌زمان، در برخی مناطق، جوامع محلی نیز به دلیل وابستگی معیشتی به این جریان، نقش پشتیبانی‌کننده را ایفاء می‌کنند. شبکه‌های توزیع کالا در داخل کشور فعال می‌شوند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۲۱). این شبکه‌ها گاه دارای ساختارهای کاملاً سازمان‌یافته هستند که شامل انبارهای مخفی، توزیع‌کنندگان منطقه‌ای و حلقه‌های فروش شهری‌اند. در موارد دیگر، پخش کالا در قالب فروش در بازارهای محلی، واحدهای صنفی بدون فاکتور رسمی، یا عرضه مستقیم به مصرف‌کننده نهایی صورت می‌گیرد. در این مرحله، کالا عملاً وارد چرخه رسمی مصرف شده، اما به دلیل نداشتن سند تجاری فاقد شفافیت اقتصادی و مالیاتی است.

مرحله تطهیر و قانونی‌سازی کالا ممکن است در دستور کار برخی شبکه‌های پیشرفته قرار گیرد. در این حالت، از روش‌هایی مانند استفاده از فاکتورهای صوری، واردات صوری با کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای، یا بهره‌گیری از مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای جابجایی مجدد کالا استفاده می‌شود تا منشأ غیرقانونی کالا پوشیده بماند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۲۱).

در بسیاری از این فرایندها، خلأهای قانونی، فقدان سامانه‌های یکپارچه هوشمند و ضعف در شفافیت زنجیره تجارت و توزیع بستر لازم برای موفقیت عملیات قاچاق را فراهم می‌کند. در مجموع، فرایند قاچاق کالا در ایران تنها یک فعالیت غیرقانونی ساده نیست، بلکه پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که از ناکارآمدی ساختارهای نظارتی، نابسامانی اقتصادی و بی‌اعتمادی اجتماعی تغذیه می‌کند. مقابله مؤثر با این فرایند، نیازمند رویکردی کل‌نگر است که صرفاً به ابزارهای قهری بسنده نکرده و عوامل ریشه‌ای و ساختاری آن را نیز هدف‌گذاری کند.

۳-۲- نقش بندر دلووار در فرایند قاچاق

بندر دلووار، به عنوان یکی از بنادر سنتی و تاریخی استان بوشهر در جنوب ایران، نقشی خاص و قابل توجه در فرایند قاچاق کالا ایفاء می‌کند. موقعیت جغرافیایی این بندر در امتداد آب‌های خلیج فارس، مجاورت با بنادر کوچک کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و همچنین برخورداری از پیشینه‌ای دیرینه در تجارت دریایی سنتی موجب شده است تا بندر دلووار به یکی از نقاط استراتژیک در جریان ورود غیررسمی کالا به کشور بدل شود (خلیفه و بابایی مراد، ۱۴۰۰، ۱۵۵). از آنجا که ساختار اقتصادی این منطقه به ویژه در دهه‌های

اخیر، وابستگی شدیدی به معیشت دریامحور و تجارت‌های خرد دریایی یافته است، بسیاری از فعالیت‌هایی که در چهارچوب قوانین رسمی کشور به‌عنوان قاچاق شناخته می‌شوند، در واقع برای جامعه محلی دلووار به‌مثابه بخشی از مناسبات سنتی اقتصادی و تأمین حداقلی معیشت تلقی می‌شوند.

یکی از عوامل تقویت‌کننده نقش بندر دلووار در قاچاق، فقدان فرصت‌های شغلی پایدار و نبود صنایع مولد در منطقه است. در نتیجه، گروه بزرگی از جمعیت فعال اقتصادی، به‌ویژه جوانان، به فعالیت‌هایی روی آورده‌اند که عمدتاً بر انتقال کالاهای خارجی با استفاده از لنج‌های سنتی، قایق‌های تندرو و مسیرهای آبی فرعی مبتنی است. این کالاهای که بیشتر شامل اقلام مصرفی، پوشاک، لوازم خانگی، لوازم آرایشی و بهداشتی و در برخی موارد کالاهای ممنوع‌الورود می‌شوند، از طریق مبادله مستقیم با بنادر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس یا در پوشش حمل‌ونقل سنتی وارد می‌شوند. در این میان، نبود نظارت مستمر و تجهیزنشده بودن بسیاری از ایست‌های دریایی و گمرکی در مسیرهای ورود از عوامل تسهیل‌کننده‌ای برای ورود غیرقانونی کالا به حساب می‌آیند.

در کنار این موضوعات، فرهنگ بومی بندر دلووار نیز در تحلیل نقش آن در قاچاق حائز اهمیت است. بسیاری از ساکنان منطقه، به‌ویژه نسل‌های قدیمی‌تر، فعالیت‌های تجاری سنتی دریایی را نه تنها شغل، بلکه بخشی از هویت و میراث فرهنگی خود می‌دانند. در نتیجه، نوعی مشروعیت عرفی نسبت به این فعالیت‌ها در منطقه وجود دارد که باعث شده مقابله با قاچاق از سوی نهادهای رسمی، در صورت نادیده گرفتن زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی با مقاومت اجتماعی مواجه شود. ازسوی دیگر، عدم تعریف چهارچوب‌های قانونی مشخص برای تجارت سنتی دریایی، موجب شده است مرز میان فعالیت قانونی و غیرقانونی در عمل مخدوش شود.

با توجه به این موارد، از نظر نگارنده بندر دلووار نه صرفاً یک نقطه جغرافیایی در جریان قاچاق، بلکه بخشی از یک نظام معیشتی، تاریخی و اجتماعی است که در پیوندی پیچیده با ناکارآمدی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای، ضعف ساختارهای نظارتی و خلأهای قانونی عمل می‌کند. ازاین‌رو، نقش آن در فرایند قاچاق کالا باید در بستری فراتر از نگاه صرفاً امنیتی و با درک عمیق‌تری از واقعیت‌های محلی مورد تحلیل قرار گیرد. تنها با چنین نگاهی می‌توان راهبردهایی را طراحی کرد که هم در مقابله با قاچاق مؤثر باشند و هم سرمایه اجتماعی منطقه را حفظ کرده و از فرسایش آن جلوگیری نمایند.

۴- عوامل مؤثر بر قاچاق کالا

قاچاق کالا پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نهادی شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد. این عوامل، بسته به شرایط زمانی و مکانی نقش‌های متفاوتی ایفاء می‌کنند و درهم‌تنیدگی آن‌ها موجب پایداری ساختارهای قاچاق در برخی مناطق خاص، از جمله مناطق مرزی و بنادر سنتی، می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در بروز قاچاق، تفاوت محسوس قیمت کالا در داخل و خارج کشور است. در شرایطی که نرخ تعرفه‌ها بالا یا واردات رسمی کالا محدود یا ممنوع باشد، انگیزه اقتصادی برای ورود غیرقانونی آن کالا به کشور افزایش می‌یابد. این تفاوت قیمتی، سود سرشاری برای قاچاقچیان در پی دارد و باعث ایجاد یک بازار سیاه فعال می‌شود. در این محث این عوامل را بررسی می‌کنیم.

۴-۱- عوامل اقتصادی

مشکلات ساختاری در نظام اقتصادی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش قاچاق دارند. نوسانات نرخ ارز، تورم بالا، نبود شفافیت در زنجیره توزیع و ضعف در نظام مالیاتی و بانکی باعث می‌شوند که فعالان اقتصادی به جای طی مسیرهای قانونی و پرهزینه، به مسیرهای غیررسمی و کم‌هزینه قاچاق رو بیاورند. این موضوع به‌ویژه در صنایعی که مواد اولیه یا محصولات مشابه خارجی دارند، شدت می‌گیرد. در همین راستا، بوروکراسی پیچیده و فساد اداری نیز به‌عنوان عواملی تسهیل‌گر در بروز قاچاق عمل می‌کنند. هنگامی که فرایندهای گمرکی طولانی، پرهزینه یا مستعد رشوه‌خواری باشند تمایل برای دور زدن قانون افزایش می‌یابد (ماندگار، ۱۳۹۶، ۱۹۰).

نرخ بالای بیکاری و فقدان فرصت‌های شغلی در مناطق مرزی و بندری، از جمله دلایل اصلی روی آوردن جمعیت محلی به قاچاق کالا است. در این مناطق، به‌ویژه در جنوب کشور، قاچاق نه تنها یک کنش اقتصادی بلکه بخشی از الگوی معیشتی و گاه حتی هویت اجتماعی افراد به شمار می‌رود (خضرزاده و همکاران ۱۳۸۹، ۸۴).

در چنین شرایطی، اقدامات مقابله‌ای که بدون درک زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی اجرا شوند، نه تنها ناکارآمد خواهند بود، بلکه ممکن است منجر به مقاومت اجتماعی نیز بشوند. به علاوه، ضعف سرمایه

اجتماعی، بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی و احساس تبعیض یا محرومیت منطقه‌ای انگیزه‌های مشارکت در فعالیت‌های غیررسمی و حتی غیرقانونی را افزایش می‌دهند. علاوه بر این، کاستی‌های قانونی و ضعف در هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول، از دیگر عواملی است که راه را برای فعالیت قاچاقچیان باز می‌گذارد. نبود قوانین جامع و شفاف برای تجارت سنتی، ضعف در اجرای احکام قضایی و موازی‌کاری میان نهادهایی نظیر گمرک، نیروی انتظامی، سازمان تعزیرات حکومتی و وزارت صمت، موجب ایجاد خلأهایی می‌شود که گروه‌های قاچاقچی از آن بهره می‌برند (خضرزاده و همکاران ۱۳۸۹، ۸۴). همچنین، ناکارآمدی سامانه‌های هوشمند و نبود زیرساخت‌های اطلاعاتی یکپارچه در شناسایی و رصد کالاها از مبدأ تا مقصد، مانعی جدی در مسیر مبارزه مؤثر با قاچاق هستند.

در کنار همه این عوامل، نقش تقاضای مصرف‌کننده را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. زمانی که کالاهای قاچاق ارزان‌تر، متنوع‌تر و دسترس‌پذیرتر از کالاهای تولید داخل یا واردات رسمی باشند، بازار مصرف نیز به سمت آن‌ها گرایش پیدا می‌کند. در این صورت، حتی اگر عرضه کالای قاچاق با دشواری روبرو شود، تا زمانی که تقاضا برای آن وجود دارد، انگیزه برای ورود غیرقانونی آن همچنان باقی می‌ماند.

۴-۲- عوامل اجتماعی

عوامل اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و تداوم پدیده قاچاق کالا ایفاء می‌کنند، به‌ویژه در مناطقی که ساختارهای رسمی اقتصادی و اشتغال دچار ضعف هستند یا دسترسی به منابع مشروع درآمدی محدود است. یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر در این زمینه، سطح پایین سرمایه اجتماعی در جامعه است. هنگامی که اعتماد عمومی به نهادهای رسمی کاهش یابد و حس تعلق اجتماعی و مشارکت جمعی در چهارچوب قانون تضعیف شود، تمایل به تخطی از هنجارهای رسمی و مشارکت در فعالیت‌های غیرقانونی، از جمله قاچاق، افزایش می‌یابد. در این وضعیت، شبکه‌های غیررسمی به‌ویژه در قالب روابط خویشاوندی، قومی یا محلی، جایگزین سازوکارهای قانونی می‌شوند و حمایت اجتماعی از رفتارهای غیرقانونی شکل می‌گیرد.

فقر و نابرابری اجتماعی نیز نقش بارزی در سوق‌دادن افراد به سمت فعالیت‌های قاچاق دارد. در مناطقی که میزان بیکاری بالا و فرصت‌های مشروع درآمدی محدود است، قاچاق نه تنها به عنوان یک رفتار مجرمانه در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به مثابه یک راهکار معیشتی مشروع تلقی می‌گردد (قاسمی و بهرامی، ۱۳۸۴، ۷۰).

در این شرایط، ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر تضعیف منزلت کار مولد، بی‌اعتمادی به سازوکارهای رسمی توزیع منابع و ترویج مصرف‌گرایی بدون تناسب با سطح درآمد واقعی، موجب شکل‌گیری هنجارهای جدیدی می‌شوند که در آن فعالیت قاچاق، مشروعیت اجتماعی نسبی پیدا می‌کند. از سوی دیگر، ضعف در نظام آموزش رسمی و عمومی‌سازی فرهنگ قانون‌مداری، به‌ویژه در جوامع محلی و مناطق مرزی عوامل مهم دیگری هستند. هنگامی که افراد آموزش کافی درباره پیامدهای اقتصادی، فرهنگی و امنیتی قاچاق دریافت نکرده باشند، درک عمومی از مضرات این پدیده کاهش یافته و برخورد جامعه با آن صرفاً تابع منافع کوتاه‌مدت و فردی خواهد بود (قاسمی و بهرامی، ۱۳۸۴، ۱۷۵). در چنین فضایی، نسل‌های جدید نیز در معرض انتقال الگوهای رفتاری مبتنی بر مشارکت در قاچاق قرار می‌گیرند و چرخه اجتماعی بازتولید این پدیده تقویت می‌شود.

مهاجرت‌های فصلی یا ناگزیر و نبود ساختارهای اجتماعی پایدار، نوعی بی‌ثباتی اجتماعی در برخی مناطق ایجاد کرده‌اند که زمینه‌ساز کاهش کنترل اجتماعی غیررسمی بر رفتار افراد شده‌اند. در غیاب نهادهای اجتماعی توانمند، مانند شوراهای محلی، مساجد، گروه‌های مردمی یا انجمن‌های مدنی مؤثر فرایند جامعه‌پذیری رسمی و غیررسمی به درستی عمل نمی‌کند و جامعه در برابر نفوذ و گسترش شبکه‌های قاچاق آسیب‌پذیر می‌شود.

در مجموع، عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق کالا، ماهیتی پیچیده و هم‌پیوند با سایر ابعاد اقتصادی و نهادی دارند. مقابله مؤثر با آن‌ها مستلزم تقویت سرمایه اجتماعی، ارتقای عدالت اجتماعی، توسعه فرصت‌های اشتغال محلی و بازسازی نظام‌های اجتماعی و فرهنگی مشروع در سطح محلی و ملی است. تنها از طریق ایجاد حس تعلق و مشارکت در نظم عمومی و اعتماد به نهادهای رسمی، می‌توان زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری قاچاق را کاهش داد.

۴-۳- عوامل سیاسی

عوامل سیاسی یکی از تعیین‌کننده‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که زمینه شکل‌گیری و تداوم پدیده قاچاق کالا را فراهم می‌کنند. نبود شفافیت در ساختارهای حکمرانی، ضعف در اعمال حاکمیت قانون و تعارض منافع در سطوح بالای تصمیم‌گیری از جمله عواملی هستند که سبب می‌شوند قاچاق نه تنها به‌عنوان یک ناهنجاری اقتصادی، بلکه به‌مثابه نتیجه مستقیم ناکارآمدی سیاسی شناخته شود. در بسیاری از موارد، ضعف

در نظارت و اجرای قوانین، نبود انسجام در سیاستگذاری تجاری و اقتصادی و تعارض میان نهادهای مختلف دولتی موجب می‌شوند تا خلأهای قانونی و اجرایی به فرصت‌هایی برای فعالیت گروه‌های سازمان‌یافته قاچاق تبدیل شوند.

یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی مؤثر در این زمینه، وجود رانت‌های گسترده و روابط پنهان قدرت با شبکه‌های غیررسمی اقتصادی است. هنگامی که نهادهای رسمی درگیر فساد باشند یا بخشی از مقامات محلی یا ملی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق همکاری داشته باشند مسیرهای نظارتی تضعیف می‌شوند و اعتماد عمومی به عدالت و کارآمدی نظام کاهش می‌یابد (ریعی و نورمحمدی، ۱۳۹۵، ۲۸). این وضعیت، نه تنها مقابله با قاچاق را دشوار می‌کند، بلکه موجب عادی‌سازی آن در افکار عمومی نیز می‌شود، چرا که فعالیت در بسترهای غیررسمی، به مثابه واکنشی عقلانی به ناکارآمدی حاکمیت تلقی می‌گردد.

علاوه بر این، ناکامی در تدوین و اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی از جمله نظام تعرفه‌گذاری ناپایدار، مقررات تجاری متناقض و نبود حمایت مؤثر از تولید داخلی باعث می‌شود تا تفاوت چشمگیری میان قیمت کالاهای داخلی و وارداتی غیرقانونی شکل گیرد و انگیزه برای قاچاق افزایش یابد. در چنین فضایی، سود قاچاق نه تنها بالا، بلکه نسبت به فعالیت‌های اقتصادی قانونی، کم‌ریسک‌تر به نظر می‌رسد، به ویژه زمانی که مجازات‌ها بازدارنده نباشند یا اجرای عدالت کیفری با تبعیض همراه باشد.

ضعف مدیریت سیاسی در مرزها، ناکارآمدی استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و شوراهای محلی در پیشبرد سیاست‌های توسعه‌محور و عدم پاسخگویی به مطالبات مردم موجب می‌شود تا جوامع مرزنشین نسبت به نظام سیاسی احساس بیگانگی کرده و رفتارهای معارض با قانون نظیر مشارکت در قاچاق را به عنوان نوعی مقاومت یا تأمین معاش توجیه‌پذیر تلقی کنند (رحمانی فرد، ۱۴۰۰، ۸۶). در برخی موارد نیز نهادهای امنیتی و نظامی که مسئول نظارت بر مرزها هستند، به دلیل عدم پاسخگویی مؤثر یا حتی ارتباط با شبکه‌های قدرت محلی، توانسته‌اند نقش بازدارنده‌ای در برابر قاچاق ایفاء کنند.

به تحلیل نگارنده، عوامل سیاسی مؤثر بر قاچاق کالا، در پیوند با ساختارهای ناکارآمد، فساد سیستمی، نبود شفافیت و ضعف در هماهنگی بین‌نهادی قابل تحلیل هستند. اصلاح این وضعیت مستلزم بازتعریف نظام حکمرانی مبتنی بر شفافیت، پاسخگویی، شایسته‌سالاری و تقویت مشارکت عمومی در

سیاست‌گذاری‌ها است. تنها در سایه حکمرانی خوب و تعامل سازنده بین دولت و جامعه است که می‌توان به مهار ساختاری پدیده قاچاق امیدوار بود.

۵- سرمایه اجتماعی و مبارزه با قاچاق کالا

یکی از مؤلفه‌های اصلی در موفقیت سیاست‌های مقابله با قاچاق کالا بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی و به‌ویژه حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی در جوامع محلی است. سرمایه اجتماعی، با تکیه بر اعتماد، هنجارهای مشارکت‌جویانه و شبکه‌های ارتباطی، زمینه‌ساز همراهی مردم با سیاست‌های رسمی و افزایش ضریب موفقیت در برنامه‌های کنترلی و پیشگیرانه می‌شود. در این چهارچوب، درک اهمیت نقش سرمایه اجتماعی در مبارزه با قاچاق، شناخت عواملی که انگیزه مشارکت مردم را تقویت یا تضعیف می‌کند و تحلیل پیامدهای حضور فعال مردم در این فرایند، گام‌هایی ضروری برای طراحی راهبردهای جامع و پایدار در کنترل پدیده قاچاق به شمار می‌آیند.

۵-۱- اهمیت حفظ سرمایه اجتماعی در مبارزه با قاچاق

در فرایند مقابله با قاچاق کالا، حفظ سرمایه اجتماعی یکی از ضروری‌ترین پیش‌نیازهای موفقیت‌آمیز بودن سیاست‌ها و اقدامات رسمی محسوب می‌شود. سرمایه اجتماعی که دربرگیرنده مؤلفه‌هایی چون اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی، انسجام اجتماعی، مشارکت داوطلبانه و حس تعلق به جامعه است، بستر مناسبی را برای همکاری و همیاری شهروندان با نظام رسمی در جهت تحقق اهداف کلان فراهم می‌سازد. در مناطقی که سرمایه اجتماعی در سطح بالایی قرار دارد، مردم نه تنها قوانین را بیشتر رعایت می‌کنند، بلکه به‌طور فعال در شناسایی، گزارش‌دهی و محدودسازی فعالیت‌های غیرقانونی نظیر قاچاق مشارکت می‌ورزند (Aguilar, 2002, 490).

حفظ سرمایه اجتماعی به‌ویژه در مناطق مرزی مانند بندر دلووار که قاچاق به‌عنوان بخشی از منطق معیشت و عرف اجتماعی ریشه دوانده است، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. در این منطقه، اگر نهادهای رسمی بدون درک حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی یا بدون مشارکت مردم اقدام به برخوردهای سخت‌گیرانه یا نظامی‌محور نمایند، این امر می‌تواند موجب تضعیف سرمایه اجتماعی، ایجاد گسست در روابط دولت و جامعه و افزایش بی‌اعتمادی نسبت به سیاست‌های رسمی شود. در مقابل، اگر

سیاست‌ها بر پایه تعامل دوسویه، گفت‌وگوی اجتماعی و افزایش درک متقابل بنا شده باشند، سرمایه اجتماعی تقویت شده و ظرفیت مردمی برای مقابله با قاچاق به صورت پایدار بسیج می‌گردد.

از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی با ایجاد شبکه‌های ارتباطی افقی بین افراد و عمودی بین مردم و نهادها، امکان انتقال سریع اطلاعات، افزایش نظارت اجتماعی و گسترش هنجارهای قانون‌مدارانه را فراهم می‌آورد. این امر منجر به کاهش تمایل عمومی به مشارکت در فعالیت‌های غیرقانونی، تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ایجاد نوعی «اخلاق عمومی» علیه قاچاق می‌شود (Lederman, 2005, 35).

بدیهی است که در نبود چنین سرمایه‌ای، حتی پیشرفته‌ترین ابزارهای کنترلی نیز کارایی لازم را نخواهند داشت، چرا که پدیده‌ای چون قاچاق بیش از آن که صرفاً اقتصادی یا امنیتی باشد، پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی است که باید با رویکردی مبتنی بر اعتماد و مشارکت با آن مواجه شد. در نتیجه، حفظ سرمایه اجتماعی نه تنها ضرورت اخلاقی و انسانی دارد، بلکه راهبردی بنیادین برای کارآمدی سیاست‌های مبارزه با قاچاق محسوب می‌شود.

۵-۲- عوامل مؤثر بر انگیزه مشارکت مردم

انگیزه مشارکت مردم در مبارزه با قاچاق کالا تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نهادی شکل می‌گیرد که هریک به گونه‌ای در جهت‌گیری رفتاری افراد در قبال پدیده قاچاق نقش‌آفرینی می‌کنند. نخستین عامل تأثیرگذار، اعتماد به نهادهای حاکمیتی و اجرایی است. زمانی که مردم احساس کنند دولت و نهادهای مسئول به صورت عادلانه، شفاف و مسئولانه با پدیده قاچاق برخورد می‌کنند، تمایل بیشتری برای همکاری و مشارکت در اجرای سیاست‌های مبارزه‌ای خواهند داشت. در مقابل، تجربه بی‌عدالتی، تبعیض، یا فساد اداری می‌تواند اعتماد را فرسایش دهد و انگیزه برای مشارکت را تضعیف کند (Tyler, 2006, 62).

دومین عامل، احساس تعلق اجتماعی و مسئولیت‌پذیری مدنی است. زمانی که افراد خود را بخشی از جامعه‌ای می‌دانند که منافع و امنیت آن برای شان اهمیت دارد، از منظر اخلاقی و اجتماعی در قبال پدیده‌هایی که این منافع را تهدید می‌کند، مانند قاچاق، واکنش نشان می‌دهند. این احساس تعلق می‌تواند از طریق آموزش مدنی، نهادهای محلی، رسانه‌ها و تجربه زیست اجتماعی مثبت تقویت شود. در مقابل، احساس طردشدگی، حاشیه‌نشینی و بی‌قدرتی انگیزه همکاری را به شدت کاهش می‌دهند. سومین مؤلفه

تأثیرگذار، درک اجتماعی از آثار قاچاق کالا بر زندگی جمعی است. اگر مردم قاچاق را صرفاً به عنوان تخلفی کوچک یا راهی برای تأمین معیشت تلقی کنند، نه تنها انگیزه‌ای برای مقابله نخواهند داشت، بلکه در برخی موارد از آن حمایت ضمنی نیز خواهند کرد (Fukuyama, 1997, 87). اما اگر اثرات زیان‌بار قاچاق بر اقتصاد، اشتغال، امنیت، سلامت و کیفیت زندگی عمومی به‌درستی تبیین شود، احتمال تقویت انگیزه‌های مقابله‌ای افزایش می‌یابد.

چهارمین عامل مهم، میزان مشارکت‌پذیری ساختاری و امکان ایفای نقش مردم در فرایند تصمیم‌سازی است. مشارکت تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که بسترهای لازم برای شنیده‌شدن صدای مردم، گزارش‌دهی بدون ترس از تبعات و حضور در فرایندهای نظارتی و اجرایی فراهم شده باشد (Tyler, 2006, 95). نبود این بسترها موجب شکل‌گیری احساس بی‌اثری و انفعال خواهد شد.

در نهایت، ملاحظات اقتصادی و معیشتی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در مناطقی که قاچاق به عنوان تنها راه تأمین معاش شناخته می‌شود، بدون ارائه آلترناتیوهای اقتصادی پایدار، نمی‌توان انتظار مشارکت مؤثر مردم در مبارزه با آن را داشت؛ بنابراین، ارتقای انگیزه مشارکت نیازمند رویکردی چندبعدی و تلفیقی است که اعتمادسازی، آگاهی‌بخشی، مشارکت‌پذیری نهادی و توسعه اقتصادی را به‌صورت هم‌زمان مدنظر قرار دهد.

۵-۳- تأثیر مشارکت مردم در فرایند مبارزه با قاچاق

مشارکت مردم در فرایند مبارزه با قاچاق کالا نقشی تعیین‌کننده در اثربخشی، پایداری و مشروعیت اقدامات مقابله‌ای ایفاء می‌کند. این مشارکت، نه تنها به معنای حضور مستقیم افراد در گزارش‌دهی، نظارت یا همکاری با نهادهای رسمی است، بلکه دامنه وسیع‌تری از تعاملات اجتماعی، تقویت فرهنگ قانون‌مداری و هم‌افزایی میان دولت و جامعه مدنی را شامل می‌شود. در شرایطی که مردم صرفاً ناظر یا بی‌تفاوت نسبت به پدیده قاچاق باشند، شکاف میان سیاست‌های رسمی و رفتارهای اجتماعی گسترش یافته و ظرفیت‌های اجرایی دولت تضعیف می‌شود. برعکس، وقتی مردم به عنوان بخشی فعال از فرایند مبارزه در نظر گرفته می‌شوند، نه تنها امکان شناسایی دقیق‌تر مسیرها و روش‌های قاچاق فراهم می‌شود، بلکه اعمال قانون نیز با حمایت اجتماعی و کاهش مقاومت مواجه می‌گردد.

تجربه‌های موفق در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که مردمی‌سازی مقابله با جرائم اقتصادی همچون

قاچاق، به افزایش اعتماد عمومی، گسترش فرهنگ همکاری و ارتقاء بازدارندگی اجتماعی منجر می‌شود. مردم محلی، به‌ویژه در مناطق مرزی یا نواحی آسیب‌پذیر، از شناخت میدانی، اطلاعات بومی و شبکه‌های اجتماعی قدرتمندی برخوردارند که در صورت سازمان‌دهی و هدایت مناسب، می‌تواند به یک ابزار کارآمد اطلاعاتی و فرهنگی در برابر شبکه‌های قاچاق تبدیل شود (محکم‌کار و همکاران، ۱۴۰۱، ۷۰). علاوه بر این، حضور مردم در نظارت اجتماعی به شفاف‌سازی عملکرد نهادهای رسمی نیز کمک می‌کند و از شکل‌گیری فساد یا تبانی در سازوکارهای اجرایی جلوگیری می‌نماید.

مشارکت اجتماعی باعث ایجاد حس مسئولیت‌پذیری جمعی، افزایش همبستگی اجتماعی و بازتعریف نقش شهروندان در تضمین منافع ملی می‌شود. مشارکت مردمی همچنین از طریق آموزش، آگاهی‌رسانی و تقویت انگیزه‌های اخلاقی و مدنی، زمینه‌ساز اصلاح نگرش عمومی نسبت به قاچاق به عنوان یک آسیب اجتماعی و نه صرفاً یک راه معیشت می‌گردد (محکم‌کار و همکاران، ۱۴۰۱، ۶۰). از این منظر، مشارکت مردم نه تنها ابزار مقابله با قاچاق، بلکه خود به عنوان یک هدف در مسیر توسعه پایدار، انسجام اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی قابل توجه است.

به تحلیل نگارنده مشارکت مردمی را باید به مثابه یک مؤلفه بنیادین در سیاستگذاری ضدقاچاق دانست؛ مؤلفه‌ای که بدون آن، نه سیاست‌های بازدارنده، نه ابزارهای نظارتی و نه سازوکارهای قضایی، به تنهایی توان کنترل پایدار و فراگیر پدیده قاچاق را نخواهند داشت.

نتیجه

پژوهش حاضر نشان داد که سرمایه اجتماعی نه تنها یک عنصر مکمل در فرایندهای حکمرانی محلی و امنیت اقتصادی است، بلکه به مثابه یک بنیان زیرساختی برای موفقیت هرگونه سیاست مقابله با قاچاق کالا محسوب می‌شود. در بافت‌های محلی مانند بندر دلووار که تعاملات افقی و عمودی اجتماعی نقشی تعیین‌کننده در جریان‌های اقتصادی و امنیتی دارند حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی نه تنها عامل پیشگیرانه در برابر شکل‌گیری شبکه‌های غیرقانونی است، بلکه خود به عنوان بستری برای تقویت مشروعیت نهادهای رسمی عمل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که اعتماد اجتماعی، انسجام جمعی و مشارکت مدنی، سه مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی، در تعامل با یکدیگر، منجر به شکل‌گیری سازوکارهای نظارت غیررسمی در سطح جامعه می‌شوند. این سازوکارها در مناطقی چون بندر دلووار که نهادهای رسمی گاهی با محدودیت

در کنترل مرزهای آبی مواجه‌اند، نقشی جایگزین و مکمل ایفاء کرده و در شرایطی حتی می‌توانند به پیش‌بینی یا مهار بخشی از جریان‌های قاچاق کمک کنند.

سرمایه اجتماعی، به مثابه یک منبع نرم، قابلیت تبدیل به ظرفیت امنیتی را دارد؛ بدین معنا که هرچه پیوندهای اجتماعی درون جامعه‌ای قوی‌تر، اعتماد به نهادهای رسمی بیشتر و مشارکت مردم در فرایندهای سیاستگذاری و نظارت گسترده‌تر باشد، انگیزه برای کنش‌های متعارض با قانون، از جمله قاچاق کالا، کاهش می‌یابد. بر این اساس، حفظ سرمایه اجتماعی در چنین مناطقی تنها یک راهبرد فرهنگی یا اجتماعی نیست، بلکه به‌طور مستقیم به حوزه سیاست جنایی و امنیت اقتصادی گره خورده است.

نکته مهم دیگر که این پژوهش بر آن تأکید دارد، تفاوت میان مشارکت شکلی و مشارکت محتوایی است. صرفاً دعوت نمادین از مردم برای مشارکت در امر مبارزه با قاچاق، بدون در نظر گرفتن زمینه‌های اعتماد، احساس عدالت توزیعی و احترام به هویت محلی نه تنها منجر به مشارکت فعال نخواهد شد، بلکه ممکن است موجب فرسایش سرمایه اجتماعی نیز شود. بدین ترتیب، ضرورت دارد نهادهای رسمی با اجتناب از برخوردهای موقت، سطحی و امنیت‌محور صرف، به سمت تعامل اجتماعی عمیق و سازنده با جامعه محلی حرکت کنند.

مطالعه موردی بندر دلووار نشان داد که جامعه محلی نه تنها دارای ظرفیت‌هایی برای نقش‌آفرینی مثبت در فرایند مقابله با قاچاق است، بلکه در صورت بی‌توجهی به مطالبات و فرهنگ بومی آن، این ظرفیت‌ها می‌توانند به انفعال یا حتی تقویت شبکه‌های غیررسمی قاچاق منجر شوند. به بیان دیگر، همان عاملی که می‌تواند پشتیبان نظام قانونی باشد، در صورت اختلال در روابط اجتماعی یا بی‌اعتمادی گسترده، ممکن است در جهت مخالف عمل کند. این مسئله ضرورت رویکردهای چندسطحی و پیچیده‌نگر به سیاستگذاری در حوزه مبارزه با قاچاق را دوچندان می‌کند. ازسوی دیگر، تحلیل کیفی داده‌های به‌دست آمده نشان داد که عواملی چون عدم شفافیت در برخورد با قاچاق سازمان‌یافته، وجود تبعیض در اجرای قانون، ضعف در اطلاع‌رسانی و عدم حضور نهادهای مدنی در برنامه‌ریزی، از جمله موانع جدی بر سر راه حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی در بندر دلووار هستند. بر این اساس، نمی‌توان انتظار داشت بدون اصلاحات ساختاری در شیوه حکمرانی، صرفاً با اتکای بر مشارکت مردم، پدیده‌ای به پیچیدگی قاچاق کالا کنترل شود.

پژوهش همچنین روشن ساخت که مشارکت مردم در مبارزه با قاچاق، نه به معنای بسیج ساده و دستوری آنان، بلکه به مفهوم ایجاد بسترهای داوطلبانه، پایدار و نهادمند برای ایفاء نقش در سطوح مختلف آگاهی‌بخشی، گزارش‌دهی و مقاومت مدنی است. در این زمینه، سرمایه اجتماعی مانند نوعی

اکوسیستم عمل می‌کند که در آن روابط متقابل، اعتماد دوجانبه و احساس مسئولیت جمعی، شاخص‌های سلامت سیستم به شمار می‌روند.

از منظر سیاستگذاری عمومی، نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که نگاه تک‌بعدی امنیتی و قضایی به مسئله قاچاق، نه تنها اثربخش نخواهد بود، بلکه با تضعیف پیوندهای اجتماعی می‌تواند به رشد پنهان اقتصاد غیررسمی در جوامع محلی دامن بزند؛ بنابراین، بازتعریف مأموریت‌های امنیتی در قالب همکاری اجتماعی، استفاده از سرمایه اجتماعی به عنوان مزیت رقابتی در مناطق مرزی و برنامه‌ریزی برای تقویت مؤلفه‌های اعتماد، مشارکت و انسجام، از جمله الزاماتی است که نباید نادیده گرفته شوند.

جنبه نوآورانه این پژوهش در آن است که موضوع مبارزه با قاچاق کالا را از زاویه‌ای نو، یعنی با تمرکز بر بعد اجتماعی و با تحلیل ظرفیت‌های جامعه محلی به جای تمرکز صرف بر ابزارهای سخت و نهادهای رسمی، مورد بررسی قرار داده است. این رویکرد، راهی را برای سیاستگذاران و پژوهشگران می‌گشاید تا مفاهیمی مانند امنیت مشارکتی، پیشگیری اجتماعی و سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزارهای محوری در مبارزه با قاچاق و تخلفات اقتصادی در نظر بگیرند. به بیان دیگر، این پژوهش با عبور از کلیشه‌های متعارف درباره مبارزه با قاچاق، مدلی ترکیبی از تعامل جامعه و دولت را پیشنهاد می‌دهد که می‌تواند به سیاستگذاری پایدار و اثربخش‌تر منجر شود. در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی راهبردی است. در مناطقی نظیر بندر دلواری که هم‌زمان با فرصت‌های اجتماعی، با تهدیدهای ساختاری روبرو هستند، موفقیت هرگونه برنامه مقابله با قاچاق، بدون فهم و حمایت از ظرفیت‌های درونی جامعه، محکوم به شکست خواهد بود. راهکارهای اجرایی و سیاستی باید با تکیه بر ارتقای اعتماد عمومی، مشارکت فعال محلی و استفاده از ظرفیت نهادهای غیردولتی طراحی شوند. تنها در این صورت است که مبارزه با قاچاق به یک حرکت اجتماعی پایدار و درونی‌شده تبدیل می‌شود، نه صرفاً یک واکنش مقطعی و از بالا به پایین.

پیشنهاد

تقویت سرمایه اجتماعی در مبارزه با قاچاق کالا مستلزم طراحی و اجرای راهکارهایی است که هم‌زمان به ارتقای اعتماد اجتماعی، تحکیم انسجام جمعی و افزایش تعامل مؤثر میان مردم و نهادهای حکومتی منجر شود. این راهکارها باید بر اساس بستر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر منطقه طراحی شوند و از سطح سیاستگذاری تا اقدام محلی را دربرگیرند؛ بنابراین، تقویت سرمایه اجتماعی در مبارزه با قاچاق کالا

نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات ساختاری، فرهنگی و انگیزشی است که به بازسازی اعتماد، افزایش تعاملات اجتماعی و ارتقای فرهنگ مشارکت در سطح جامعه منتهی شود. اجرای موفق این راهکارها، مبارزه با قاچاق را از یک مأموریت دولتی صرف به یک مسئولیت اجتماعی گسترده تبدیل می‌کند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- اعظمی چهاربرج، حسین، ۱۳۹۶، مفهوم‌شناسی جرم قاچاق و جرایم مرتبط در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، **فصلنامه آراء**، شماره ۷.
- پرهام‌فر، امیرمحمد و نجفی، محمدرضا، ۱۳۹۸، چالش‌های نظری و عملی تعیین تکلیف کالاهای قاچاق در حقوق کیفری ایران، **فصلنامه اقتصاد پنهان**، شماره ۱۸.
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه، ۱۳۸۴، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، **فصلنامه نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۶.
- جواهری، مهدی، ۱۴۰۱، نقش قاچاق کالا در تولید و بازتولید امنیت عمومی در مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران (مورد مطالعه استان کردستان)، **فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی**، شماره ۲.
- خضرزاده، اسعد؛ سلیمانی، منصور؛ رضویان، محمدتقی، ۱۳۸۹، بررسی قاچاق کالا از مرزهای دریایی جنوب ایران، **فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، شماره ۱۸.
- خلیفه، مرضیه و بابایی مراد، بهناز، ۱۴۰۰، ارزیابی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های گردشگری بندر دلووار، **فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی**، شماره ۱۲.
- دلاویز، محسن؛ مرتضوی اصل، سیدخدایار؛ سینیایی، سیدعطاءالله، ۱۳۹۹، تأملی تطبیقی در مفهوم سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتام و فوکویاما، **فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، شماره ۱۲.
- ربیعی حسین و نورمحمدی، مهتاب، ۱۳۹۵، تبیین رابطه قاچاق با کارایی حکومت‌ها و نقش آن در چرخه مقبولیت نظام سیاسی، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی**، شماره ۱۲.

- رحمانی فرد، محسن، ۱۴۰۰، سیاست کیفری افتراقی در کیفرگذاری قاچاق کالا و ارز، **فصلنامه آراء**، شماره ۲۳.
- رئیس دانا، فریبرز، ۱۳۹۳، نقد مفهومی سرمایه اجتماعی، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۵۵.
- سلاجقه، سعادت؛ ابراهیمی، شهرام؛ سایانی، علیرضا، ۱۳۹۸، پیشگیری موقعیت مدار از قاچاق کالا در قانون امور گمرکی، **فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری**، شماره ۴۰.
- شاملو، باقر و داودی فرخند، محمدرضا، ۱۳۹۹، مفهوم قاچاق حرفه‌ای ارز در رویکرد قانونی و رویه قضایی، **فصلنامه رأی**، شماره ۳۰.
- شریفی، کیومرث؛ مسعودی، مصطفی؛ سیدجوادین، سیدرضا، ۱۳۹۱، طراحی مدل شبکه تهیه و توزیع کالا در ایران، **فصلنامه کاوش‌های مدیریت بازرگانی**، شماره ۷.
- قاسمی، بهروز و بهرامی، محسن، ۱۳۸۴، آسیب‌شناسی قاچاق کالا در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات فارابی.
- ماندگار، سهراب، ۱۳۹۶، عوامل قاچاق و آثار آن راه‌های پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با قاچاق، **فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه**، شماره ۴.
- میلانی، علیرضا و مژده‌پور، ابوالفضل، ۱۴۰۱، سیاست جنایی حاکم بر نهاد متولی پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز در حقوق ایران، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی**، شماره ۹۹.
- محمدی، عبدالله و صادقی، رسول، ۱۳۹۸، قاچاق مهاجر به مثابه تجارت کندوکاو فرایند قاچاق مهاجران اقتصادی از افغانستان به ایران، **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی**، شماره ۱.
- محکم‌کار، ایمان؛ صالحی، سهام؛ طبری، ربابه؛ قاسمی، مهدی، ۱۴۰۱، تبیین تأثیر قاچاق کالا بر امنیت اقتصادی کشور (مطالعه موردی: استان بوشهر)، **فصلنامه امنیت انتظامی دریایی**، شماره ۴۹.

لاتین

- Aguiar, Gary G., 2002, Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community: Robert D. Putnam; New York: Simon & Schuster.
- Fukuyama, Francis, and E. Lotterman, 1997, Trust: The social virtues and the creation of prosperity, International Journal on World Peace 14.1.
- Lederman, Daniel, 2005, Accountability and corruption: Political institutions matter, Economics & politics 17.1.
- Tyler, Tom R., 2006, Why people obey the law. Princeton university press.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.24- Summer 2025

Buyer-Seller Relationship in the Underlying Contract in a Letter of Credit with Emphasis on Iranian law
Homayoun Mafi, Reza Ehsani, Ahmadsreza Amiri Larjani

A Comparative Study of Environmental Protection under International Human Rights Law and International Humanitarian Law
Sayyed Fazlollah Mousavi, Amir Hossein Asgari

Child-centered Justice and Government: Responsibility Prevention, Correction and Rehabilitation of Children Violate Criminal Laws
Mohammad Roshan, Somayeh Ranginkaman, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi

Legal Challenges and Requirements of Artificial Intelligence in Workplaces: Examining Impacts and Reform Solutions
Maryam Boroomand Bazkiagourabi, Amirreza Mahmoudi

Algorithmic Society and Legal Adaptation: Rethinking Rights, Governance and Social Justice
Khadije Karimi Sfahani, Mojahed Amiri

Issuing Identity Documents for Children Born from Illegitimate Relationships and its Effects on Iranian Law
Marzieh Kazemi, Mostafa Kafi

Diminished Liability in the Criminal Systems of Iran and England
Iraj Morvati, Nafiseh Araghi, Mandana Janghali

Monitoring the Media with a Jurisprudential and Legal Approach
Narges Abolmasoomi

Cryptocurrency-Related Crimes; from Facilitating the Commission of Crimes to Prevention
Mahbobeh Talebi Rostami

The Importance of Contract Interpretation in Iranian Civil Law
Nazanin Bahrami, Mahnaz Sajjadian, Hamid Reza Konari Zhadeh

Investigating the Effect of Security and Populist Oriented Criminal Policy Intervention on the Formation of Modern New
Classical Criminological Dialog
Masoud Akbari

A Comparative Study of Commercial Property in Iranian and French Law
Saeed Johar

Deterrence of Exile and Banishment in the Period of Communication
Mahsa Mahmoudi

Manifestations of the Moral Rights of Prisoners in Domestic and International Documents
Amin Reza Bahar Falamarzi

Convergent Application of Civil Procedure Principles in Criminal Proceedings Using with Referral Mechanism
Ali Asghar Asgari

A Review of Crimes Against Government Lands (Case Study)
Vahid Kioumars

Space Debris in International Law: Regulatory Challenges and Legal Solutions
Mahdi Gharedaqi

Insult to Sacred Places in Iranian Criminal Law, Imamiyya Jurisprudence and Sunni Jurisprudence
Davoud Salmanpour, Yaghoob Taheri, Hosein Zarei

International Responsibility of States in Combating Doping: Legal Analysis and Implementation Challenges
Sepideh Ahmadian Fard

Criminal Policy Against Military Crimes in the Criminal Law of Iran and the United States
Amirhasan Abolhasani, Hamed Zarinjuj Alvar, Mohammadali Jahani

Rules Governing the Unorganized Monetary Financial Market in the Iranian Legal System
Ayoub Rahimi

Maintaining Social Capital in the Process of Combating Smuggling (Delaware Port Case Study)
Hossein Akbarpa

Conditions for the Exclusion of Personal Criminal Liability Based on the Statute of the International Criminal Court
Mohammadreza Afrasiabi

The Impact of Domestic Laws and Commitment to International Treaties in Combating Banking Corruption
Sayyed Bahman Akbari

Various Means of Enforcement in International Law
Mahdi Rezaei Asrami

Green Victimology and Non-Human Victims
Amin Hajivand, Amirhossein Khorashadi Zadeh, Mohammad Javad Mirzayi